

# تجسمه، هنر فراموش شده

معظمه صادقی

گزارش



هنرمندان صاحبان اندیشه و جریان‌سازان مهم اجتماع هستند که بهره‌گیری از تجربه‌های ارزشمند آنها نقش مؤثری در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های هنری دارد. بدون شک بهبود وضعیت زندگی و اعتبار بخشیدن به فعالیت‌های این قشر فرهیخته فرصتی برای تکریم آنها است تا از این طریق صدای اهالی هنر شنیده و بخشی از چالش‌ها و مشکلات مغفول مانده آنها برطرف شود. هنرمندان کسانی هستند که فرهنگ را نه یک میراث و نه ابزاری برای سلطه یا تمایز، بلکه همچون راهی آزادی بخش قلمداد می‌کنند. اما جامعه هنری دچار مشکلاتی است که نگارنده آن‌ها را به چند بخش تقسیم می‌کند:

۱- مشکلاتی که حاصل کم‌کاری برخی ادارات مربوطه بر این امر می‌باشد.  
۲- مشکلاتی که هنرمند از طرف خانواده خود با آن مواجه است یا مشکلات شخصی خود هنرمند است.

۳- مشکلاتی که از طرف خود هنرمندان ایجاد می‌شود.

۴- عدم حمایت قابل توجه سرمایه‌داران در این عرصه  
اجازه دهید در این مورد گزارش صحبت‌هایم فقط بر روی گزینه‌های اول و آخر باشد که قطعاً از اساسی‌ترین مشکلات در این عرصه می‌باشند.

## عدم حمایت قابل توجه سرمایه‌داران در این عرصه

قبول دارم اوضاع اقتصادی خوب نیست اما اگر خوب نیست این عدم حمایت در عرصه‌ی هنر متأسفانه فقط دامن هنرهای تجسمی را گرفته است. در کشور ما بیشترین حمایت سرمایه‌گذاران در عرصه‌ی سینما، تئاتر و موسیقی است. به جرات می‌توانم بگویم حمایت در این عرصه اصلاً خوب نیست یا اگر هم حمایتی باشد باز ممکن است مشکلاتی باشد که این حمایت را از مسیر درست خود خارج می‌کند.

در برخی کشورها حمایت از هنرمندان آنچنان قوی است که می‌بینی حتی یک هنرمند برای برپایی نمایشگاه انفرادی خود از این حمایت برخوردار شده است. همین امر سبب پیشرفت هر چه بهتر هنر در این کشورها شده است. نباید اینگونه پنداشت که اگر در این عرصه حمایت شود هیچ منفعتی نخواهد داشت. ما امروزه پیشرفت قابل توجهی در هنرهای مدرن و پسا مدرن داشته‌ایم که با جلب حمایت سرمایه‌داران می‌توان به نتایج بسیار مطلوبی دست یافت. امروزه حرف برای گفتن در این عرصه از طرف هنرمندان بسیار زیاد و قوی است.

نگارنده گمان می‌کند این حمایت اندک سرمایه‌داران از هنر هم زیر سر قشر هنری است که باعث جهت‌گیری درست آن نمی‌شوند و صرفاً افرادی وارد این مساله می‌شوند که در وهله‌ی اول به فکر منافع خود می‌باشند. و یا اینکه گفتمان مؤثری با سرمایه‌داران در این عرصه نمی‌شود که حمایت و رضایتشان برای این امر به راحتی جلب شود.

امروزه اگر می‌بینیم در سیرجان فقط در عرصه‌ی هنرهای تجسمی نام یک سری از افراد به گوش میرسد و همه‌ی این عرصه شده تکرار و تکرار. و هنر را به صورت آب راکدی درآورده که دیر با زود با وجود استعدادها و خلاقیت‌های بشمار در بین هنرمندان این شهر می‌گردد.

در ادامه‌ی این سیاهه برای بررسی مشکل اول یعنی کم‌کاری ارگان‌ها و مسوولین ذریب‌با یکی از کارشناسان هنر تجسمی همشهری مان به گفت‌وگو نشستیم او کارشناس ارشد نقاشی و استاد دانشکده هنر و معماری صبا دانشگاه شهید باهنر کرمان است.

مجتبی اسدی در رابطه با ضعف و قوت‌های سازمان‌های مرتبط با فرهنگ و هنر با ما به گفت‌وگو نشست و می‌گوید:

هنر در کشور ما هر چه فکر می‌کنم چیزی برای دلخوشی ندارد و آنچه باید بگویم فقط درد دل است و این وضعیت بد مختص سیرجان نیست.

مانند درختی که آفت زده و اشتباه است اگر فقط شاخه را علت یابی کنیم چون این آفت ریشه‌ای است. در همه‌ی شهرستان‌ها وضعیت هنر و هنرمند به همین منوال است کمی بهتر و کمی بدتر است.

او ادامه می‌دهد؛ اتوبوسی را تصور کنید که اهالی فرهنگ و هنر کشور و در سطح کوچکتر شهرستان سیرجان بر آن سوار هستند قطعاً راننده این اتوبوس از بطن فرهنگ و هنر نیست و یک راننده غیر متخصص است و حتی اگر راننده متبحری هم پشت فرمان باشد از غصه‌دق می‌کند چون به او گفته‌اند باید چه کند و چه نکند و در وهله اول باید مقولاتی که می‌گویند را پاس بدارد. این اتوبوس در شهر ما اینقدر نرفته که خوابیده و چرخ‌هایش از کار افتاده است.

این نقاش در ادامه می‌گوید: برگزاری جشنواره و کلاس مجازی سطح پایین به درد کسی نمی‌خورد مثلاً یکی از این دوره‌ها، کلاس مرحوم کفش‌چیان بود که می‌شد جوری دیگر برگزار شود که تاثیرگذار باشد مثلاً هنرمندان دیوان‌نگاری شهر را موظف می‌کردند که شرکت کنند و در آن فضای شهری سیرجان را به صورت تخصصی بررسی کنند.

موسساتی مانند معراج اندیشه بودجه‌ی خوبی دارد و دو ساختمان خودش و ارشاد را در اختیار دارد به هر حال نگاه داری این ساختمان‌ها و اجاره‌شان هزینه دارد می‌توانستند به جای این هزینه‌ها از مکان آموزشگاه‌های آزاد هنری در جهت ارتقای هنر و وضع اقتصادی هنرمندان استفاده کنند و چراغشان را روشن نگه بدارند.

اسدی از عملکرد شهرداری نیز اینگونه می‌گوید: نقش شهرداری هم در این سیستم پر رنگ است. شهرداری گاهی چنان مو را از ماست می‌کشد که حد و حساب ندارد مثلاً وقتی هنرمندی با این ارگان قرار داد کاری می‌بندد برای گرفتن دستمزدش اینقدر درگیر بروکراسی اداری می‌شود که از کارش پشیمانی می‌شود. اما برای همه‌ی مشکلات شهری اینقدر دقت ندارند. اسدی در پایان اضافه کرد: به یاد دارم که بعد از جهانی شدن گلیم پیشنهادات زیادی دادم اما هیچ استقبالی نشد یکی از ایده‌هایم برگزاری سالانه‌ی گلیم بود که قطعاً به ارتقا و فعال بودن این هنر منحصر بفرد کمک شایانی می‌کرد اما برخی فکر می‌کنند یک جشن و آتش پختن به هنر کمک می‌کند اما زهی خیال باطل.

من نگارنده باید با جرات بگویم که مشکلات عمده هنر و هنرمند زیر سر این دو مشکلی است که برایتان بازگو کردم. اگر به فکر هنرهای تجسمی در این شهر نباشیم هنرمندان روز به روز انگیزه‌ی خود را از دست خواهند داد و انحطاط و زوال این هنر را شاهد خواهیم بود.